

# انگیزش والدین برای مشارکت در امور مدرسه

معصومه طالبی  
دکترای مدیریت آموزشی



## اشاره

مطالعه حاضر به منظور بررسی موانع و مشکلات مشارکت والدین در امور مدرسه و انجام اقدامات مؤثر برای تقویت این مشارکت بین اولیای مدرسه هدف که نویسنده در آن شاغل است انجام پذیرفت. ابتدا با مرور ادبیات تحقیق، موانع مشارکت والدین در امور مدرسه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با توجه به پیشینه موضوع، مدل‌ها و شکل‌های متفاوت مشارکت والدین بیان شده و با توجه به زمینه و پیشینه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی والدین (نمونه هدفمند) در مناطق روستایی، اقدامات و راهکارهای اجرا شده برای جلب مشارکت والدین ارائه شده است. در انتها نیز چند پیشنهاد کاربردی برای جلب مشارکت والدین در امور مدرسه و یادگیری فرزندانشان بیان شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت والدین در امور مدرسه، آموزش و یادگیری، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های رهبری

## مقدمه

در حالی که شواهد قانع‌کننده نشان می‌دهند که مشارکت والدین در امور مدرسه از مزایای قابل توجهی برخوردار است، غالباً از طرف کارکنان مدرسه و خانواده‌ها در برابر فعال کردن راهبردهای مشارکت والدین مقاومت وجود دارد. اغلب معلمان کارکردن روی مشارکت والدین را باری اضافی بر فهرست طولانی مسئولیت‌های خود می‌دانند. بخش اداری «انجمن اولیا و مربیان» نیز غالباً معلمان را برای مواجهه با والدین یا گروه‌های مشورتی ترغیب می‌کند، اما زمان و یا آموزش لازم را برای رشد

مهارت‌های رهبری، مهارت‌های ارتباطی و کسب صلاحیت‌های مورد نیاز در این زمینه فراهم نمی‌کند. در دوره کارشناسی تربیت معلم نیز آموزش بسیار اندکی در مورد مشارکت والدین در امور مدرسه وجود دارد.

مشکل خاصی که در مناطق محروم و روستایی وجود دارد، انتظار اندک معلمان و مدرسه از والدین چنین مناطقی است که در نتیجه فرصت ابراز وجود و مشارکت به والدین داده نمی‌شود. مانع دیگر اینکه مدیران رهبری و پشتیبانی لازم را برای مشارکت معنادار والدین فراهم نمی‌کنند. مدیران باید توجه داشته باشند، مشارکت فعال والدین چیزی فراتر از تماس والدین با مدرسه یا شکایت آنان در مورد مشکلی خاص (گزارش غیبت یا انضباط دانش‌آموز، تدریس و ارزیابی معلم و ...) است. رفتار ترجیحی برخی مدیران، والدین را از مشارکت دلسرد می‌کند.

هم معلمان و هم مدیران ممکن است از ترس اینکه والدین استقلال و قضاوت حرفه‌ای آنان را به چالش بکشند، محتاط باشند. علاوه بر این فرهنگ نادرست مدرسه در استقبال از مشارکت والدین، استفاده از زبان غیرمشترک، برخورد ناخوشایند، و در دسترس نبودن کارکنان مدرسه از موانع دیگر مشارکت هستند. برخی از پیش‌دواری‌های والدین در مورد کمبودها و ضعف‌های تحصیلی دانش‌آموز و ارجاع دادن تمام آن‌ها به معلمان، باعث در پیش گرفتن حالت دفاعی والدین در برابر کادر مدرسه و مانع از مشارکت فعال آنان می‌شود.

برخی از والدین نیز به سبب تجربیات منفی که از دوران مدرسه خودشان داشته‌اند، اعتمادی به کادر مدرسه ندارند. این ناآگاهی‌ها از نقش خود در پیشرفت فرزندشان آنان را از تعامل با محیط مدرسه دور نگه می‌دارد. سرانجام، والدینی وجود دارند که به

بیماری‌های جسمی، عاطفی و یا مشکلات اجتماعی مبتلا هستند. این درصد کم از والدین احتمالاً بدون توجه به میزان کمک، قادر به همکاری با مدرسه نیستند. برای فرزندان این خانواده‌ها جامعه باید دست به کار شود.

مطالعات نشان می‌دهند که وقتی یک‌سوم پدران و مادران یک مدرسه به طور منطقی فعال باشند، همهٔ کودکان کار خود را بهتر انجام می‌دهند. همچنین دانش‌آموزان متوسطهٔ اول و متوسطهٔ دوم، با بزرگ‌تر شدن و به دنبال کسب استقلال از خانواده، به تدریج مانع حضور والدین خود در مدرسه می‌شوند و شاید بتوان گفت بدین علت میزان مشارکت والدین در دوره‌های بالاتر کمتر از دورهٔ ابتدایی است.

### مدل‌ها و شکل‌های متفاوت مشارکت والدین

بسیاری از محققان روی موضوع مشارکت والدین تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند و مقولات این مشارکت را مطرح ساخته‌اند. بر اساس تحقیق‌ها و توصیه‌های تخصصی این محققان (اپشتین، جونز، برگر، کریسپلز و غیره)، انواع شکل‌های مشارکت والدین در امور مدرسه را به شرح زیر شناسایی کردیم:

- فراهم آوردن فرصت آموزش و پرورش برای فرزند خود، فرستادن او به مدرسه، مهیا کردن امکانات مناسب، از لباس و نوشت‌افزار گرفته تا توجه به سلامت جسمی و روانی، تغذیه و آرامش فرزند که ما معتقدیم که این یک مسئولیت اساسی همهٔ والدین است.

- کار کردن با فرزند خود در خانه، ارزش قائل شدن برای آموزش، نظارت بر انجام تکالیف منزل، و غیره.

- حمایت از برنامه‌های مدرسه و شرکت در آن‌ها. از جملهٔ این موارد حضور در جلسه‌ها و همایش‌ها و کمک‌رسانی به عنوان مخاطب برای برنامه‌های مدرسه و مسابقه‌های ورزشی است.

- شرکت در دوره‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های فرزندپروری یا مهارت‌های مربوط به سواد خواندن و نوشتن، ریاضی، کار با رایانه، و ... که توسط خدمات آموزشی بزرگ‌سالان مدرسه ارائه می‌شود.

- شرکت در برنامه‌های کمک‌های داوطلبانه به مدرسه، اعم از کمک‌های فردی متناسب با رشته و تخصص هر فرد و کمک‌های مالی به منظور فراهم آوردن محیطی امن، شاد و مجهز برای فرزندان.

ویژگی‌های مشترک مدرسه‌هایی که موفق به جلب مشارکت والدین می‌شوند، عبارت‌اند از:

- داشتن یک سیاست رسمی اتخاذشده حاکی از تمایل مدرسه برای همکاری با والدین.

- حمایت اداری. سرپرستان باید با گفتار و اعمال خود از دخالت والدین حمایت کنند. این کار می‌تواند به صورت تخصیص منابع، پول و مواد، و یا به شکل رهبری و حمایت باشد.

- ایجاد فرصت‌های متنوع برای مشارکت والدین.

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی. این آموزش‌ها را هم می‌توان جداگانه برای کارکنان مدرسه و والدین، و هم به صورت مشترک برای هر دو گروه برگزار کرد.

- داشتن رویکرد مشارکت. بر اساس این رویکرد، مدرسه و خانواده‌ها نیاز مشترکی برای ارتقای رشد مثبت در فرزندان دارند. لذا هر یک از طرفین تخصص و دارایی‌های خود را به مشارکت می‌آورد. با تعهد معلم و والدین برای بهبود فعالیت‌های کلاس و مدرسه، والدین نیز ترغیب می‌شوند ایده‌های خود را در مورد روش‌های تدریس مطرح کنند.

- به رسمیت شناختن ارزش‌های فرهنگی خانواده‌ها توسط کارکنان مدرسه و داشتن نظر مثبت نسبت به آن‌ها.

در مناطق روستایی جلب مشارکت والدین ابتکار عمل زیادی لازم دارد. جوامع روستایی در برابر تغییر مقاومت قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهند. تمایل طبیعی آن‌ها برای صرف وقت بیشتر برای خود، و همچنین داشتن مشکلات فراوان باعث می‌شود مدیر و معلمان هنگام تهیهٔ برنامه‌های مشارکت والدین، چالش‌های بیشتری داشته باشند. زمان فعالیت‌های کشاورزی و دام‌پروری والدین در زمان بندی مراجعهٔ والدین به مدارس باید مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر، مدرسه‌های روستا عملکردی فراتر از آموزش کودکان دارند. در بسیاری از مناطق و روستاها، مدرسه‌ها محل وقوع رویدادهای اجتماعی، تفریحی، مدنی و فرهنگی هستند. مدرسه‌ها می‌توانند در روستاها ارزش اجتماعی بیشتری کسب کنند و برای دستیابی به مشارکت بیشتر والدین در امور مدرسه، از این مهم استفاده کنند. وابستگی متقابل مدرسه و جامعه می‌تواند یک مزیت باشد و باید هنگام برنامه‌ریزی برای والدین در نظر گرفته شود. جمعیت اندک کودکان در سن مدرسه در روستاها، باعث تشکیل کلاس‌هایی با جمعیت کم دانش‌آموزی می‌شود که این خود یک مزیت است. اما در عین حال تشکیل کلاس‌های چندپایه و تعداد کم معلمان، مسئولیت‌های معلمان و مدیران را بیشتر می‌کند.

### راهکارهای اجراشده برای جلب مشارکت والدین در این تحقیق

در این قسمت با توجه به بررسی پیشینهٔ علمی تحقیق، هم‌فکری و مشاوره با معلمان و دیگر همکاران آموزشی و اداری و بهره‌گیری از نظرات مفید آنان راهکارهای اجراشده را بیان می‌کنیم:

مطالعات نشان می‌دهند که وقتی یک‌سوم پدران و مادران یک مدرسه به طور منطقی فعال باشند، همهٔ کودکان کار خود را بهتر انجام می‌دهند



موانع و مشکلات مشارکت والدین قابل انکار نیستند. اما نمونه‌هایی از پاسخ‌های موفق وجود دارند که در آن‌ها مدرسه‌ها سیاست تعامل خود را متناسب با نیازها و الگوهای پیچیده زندگی والدین شکل داده‌اند. نمونه‌هایی از مداخلات مقرون به صرفه وجود دارند که برای پایین آمدن هزینه‌ها، والدین را تشویق می‌کنند بیشتر در امور فرزندان خود مشارکت داشته باشند. مثلاً برای والدینی که نمی‌توانستند از تلفن هوشمند برای استفاده از برنامه‌های ترتیب داده شده توسط معلم استفاده کنند، از ارسال پیام کوتاه برای راهنمایی و مشارکت آنان در آموزش دانش آموز استفاده شد.

با توجه به اهمیت رویکرد کل مدرسه در مورد مشارکت والدین و افزایش ظرفیت معلمان مدرسه‌ها در حمایت از والدین، به ویژه در مرحله انتقال دانش‌آموزان از پایه پیش دبستان به پایه اول و با توجه به تأکید بر برنامه کیفیت‌بخشی پایه اول، منابع و متون مربوطه و موجود را به مدت سه روز بررسی کردیم و راهکارهای مؤثر را مورد ارزیابی قرار دادیم. سپس تجربیات خود را از این دوره طی جلسه‌های انجمن اولیا و مربیان به والدین انتقال دادیم.

دیدار با والدین کلاس اول قبل از شروع سال تحصیلی انجام شد و در این دیدار خلاصه‌ای از هدف‌ها و روش‌های تدریس معلم و چگونگی حمایت و مشارکت آنان در ارزیابی فعالیت‌های داخل خانه دانش‌آموزان را بازگو کردیم. با توجه به اهمیت جلسه اول کوشیدیم در این جلسه به تشریح هدف‌های آموزشی و ارائه راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت آموزشی با همکاری دوسویه اولیا و مدرسه بپردازیم.

در این جلسه نکته‌های ظریفی درباره اهمیت همکاری والدین با مسئولان مدرسه و تأثیر آن بر پیشرفت آموزشی با مثال بیان شد. همچنین جلسه دقیقاً طبق زمان اعلام شده آغاز شد و با بیان مطالب در کمتر از ۱۰ یا ۱۵ دقیقه به پایان رسید. برنامه حضور والدین در جلسات بعدی هم به وضوح تعیین شد و از حضور والدین قدردانی به عمل آمد. حضور آن‌ها به معنی اهمیت دادن به تربیت فرزندان تلقی شد. در این جلسه از کمک‌های مالی اولیا صحبتی نشد تا ذهنیت بهتری نسبت به این جلسات داشته باشند.

در جلسه‌های بعدی سعی شد در مورد راه جمع‌آوری کمک مالی با والدین صادق باشیم. اگر مدرسه به تعمیر نیاز دارد، خیلی راحت در جلسه‌های دوم و سوم مشکلات ساختمان مدرسه را در آخر جلسه بیان کنیم و از اولیا بخواهیم تا آنجا که می‌توانند در حل این مشکلات کمک کنند. اگر برای مدرسه و دانش‌آموزان چیزی لازم و خرید آن ضروری بود، به والدین بگوییم خود آن‌ها تهیه کنند و بیاورند.

### همچنین در مورد برخورد والدین با فرزندان موارد زیر مطرح شدند:

- با ملائمت با کودکان خود رفتار کنید و به آن‌ها بگویید دوستشان دارید.
- به کودکان اجازه ابراز وجود بدهید و به آن‌ها احترام بگذارید.
- از مقایسه کودکان خود با هم جدا خودداری کنید.
- همواره توانمندی‌های کودکان خود را در نظر بگیرید.

- فرزندان خود را منظم و منطقی بار آورید.
- با همسر خود همواره در یک جبهه باشید.
- از وابسته کردن فرزند خود جدا خودداری کنید.
- تأثیر مشاجرات خانوادگی را بر کودکان در نظر داشته باشید.
- از دادن لقب به کودکان خود بپرهیزید.
- روزانه دقایقی را به کودکان وقت بدهید و از آن‌ها درباره کلاس درس و تکالیفشان سؤال کنید.

در ادامه این جلسه‌ها در طول سال تحصیلی، والدین و معلمان پیشرفت آگاهی واجی کودکان، آواشناسی، مهارت‌های ارتباطی و زبانی، عزت نفس آن‌ها را گزارش دادند. افزایش جلسه‌های دیدار اولیا و مربیان در طول سال به افزایش گفت‌وگو و زمان صرف شده بین والدین و فرزندان، بهبود روابط بین والدین و مدارس، و افزایش یادگیری از طریق بازی در خانه شد. همچنین به ایجاد تعهد معلم و والدین برای همکاری بیشتر و مشارکت در پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان انجامید.

با توجه به تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آن‌ها در تطبیق با برنامه‌ها، مسئولیت آموزش دانش‌آموزان بر عهده معلمان بود و از والدین درخواست کردیم بیشتر در زمینه مسائل تربیتی فرزندان مشارکت داشته باشند و در صورت لزوم و با تشخیص معلمان در امور آموزشی مشارکت کنند.

سعی کردیم رویکرد مداومی را که به سطح بالای مشارکت والدین در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها منجر می‌شود اتخاذ کنیم و راهبردها را با توجه به نیاز والدین و پیشنهادهای آنان تغییر دهیم و تعدیل کنیم. با در نظر گرفتن پیشنهادهایشان و کارهایی که در نظرشان موفقیت‌آمیز بود، برنامه‌های مشارکت را اصلاح کردیم.

همچنین والدین با دیدن اشتیاق کادر مدرسه برای همکاری در زمینه بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان، سعی در مشارکت مؤثر داشتند، به طوری که با فراهم کردن محیط مناسب برای یادگیری کودک در خانه و راه‌های بهتر یادگیری دانش‌آموزان، توجه خانواده به یادگیری افزایش یافت. به این ترتیب، یادگیری کودک به طور فزاینده‌ای در کانون تعامل والدین قرار گرفت. این امر به تعامل بهتر و مکرر والدین، معلمان و جامعه مدرسه انجامید که بیشتر از موفقیت‌های کودکان حمایت می‌کند.

### پیشنهادها کاربردی برای جلب مشارکت والدین در امور مدرسه و یادگیری فرزندان

ابتدا باید مهارت‌های سوادآموزی در بزرگسالان مورد تأکید قرار بگیرد تا والدین بتوانند به فرزندان خود در رسیدن به حداکثر ظرفیت خود در یادگیری کمک کنند. مثلاً مدرسه می‌تواند با عضویت والدین در کتابخانه مدرسه و صدور کارت برای آنان، زمینه استفاده آنان را از کتاب فراهم کند و حتی اگر این امکان برای تمام مدارس فراهم نباشد، می‌توانند از کتابخانه یکی از مدارس مجاز در منطقه به این منظور استفاده کنند. حتی مدرسه می‌تواند



کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های مطالعه برای والدین برگزار کند. پیشرفت سوادآموزی والدین باعث می‌شود که آنان:

- از وظایف اصلی خود در خانواده آگاه باشند.
- با فرزندانشان در فعالیتهای یادگیری مستقر در خانه بیشتر کار کنند.

● مهارت‌های جدیدی یاد بگیرند و در زمان‌های فراغت مایل به انجام کارهای داوطلبانه در کمک به امور مدرسه باشند.

- از طریق رسانه‌های عمومی و شرکت در جلسه‌های آموزشی با حضور مسئولان مدرسه‌ها، با هدف‌ها و کارکردهای مدرسه آشنا شوند.

از سوی دیگر، با توجه به ضعف دانش‌آموزان منطقه در درس ریاضی و اضطراب ریاضی آنان، معلمان می‌توانند در گروه‌های کوچک خانوادگی و دانش‌آموزی، با حضور والدین دانش‌آموزان و با استفاده از دست‌سازهای آموزشی، به توسعه مهارت‌های حل مسئله ریاضی در خانواده‌ها کمک کنند، با ایجاد فرصت‌های یادگیری در حضور خانواده‌ها، درک آنان را از مسائل ریاضی فرزندانشان افزایش دهند، و زمینه همکاری و فعالیت بیشتر آنان را در خانواده فراهم آورند (طراحی فعالیت‌های بازی و ریاضی با مشارکت والدین).

برگزاری کارگاه‌ها و جلسه‌های آموزش خانواده، برای آگاهی خانواده‌ها از هدف‌ها و انتظارات مدرسه، وظایف والدین در قبال فرزندانشان، نحوه مشارکت مؤثر در امور تعلیم و تربیت و پیامدهای آن می‌تواند بسیار مفید و کارساز باشد؛ البته در صورتی که:

- این جلسات به طور صحیح و متناسب با نیازهای آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان و والدین برنامه‌ریزی شوند.
- مباحث اقتصادی در آن‌ها مطرح نشوند.
- احترام و منزلت والدین حفظ شود.
- از والدین نظرخواهی به عمل آید و نظرات شایسته و مفید آن‌ها به مرحله اجرا درآیند.

دیگر پیشنهادی مؤثر در این زمینه عبارت‌اند از:

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه فرزندپروری، مهارت‌های ارتباط با فرزندانشان، آسیب‌های اجتماعی و بهبود انگیزه

تحصیل، و همچنین معرفی کتاب‌ها و منابع متنوع در زمینه رشد مهارت‌های خواندن و فیلم‌ها و مواد آموزشی در زمینه‌های گوناگون (داستان‌نویسی، سرودن شعر و ...).

- تشکیل جلسات پیگیری و ارزیابی وضعیت دانش‌آموزان در دوره‌های متفاوت که گروه‌های والدین و معلمان می‌توانند تجربه‌ها و پیشرفت‌های خود را در زمینه رفتار و تحصیل دانش‌آموزان به اشتراک بگذارند.

● تربیت نیروی متخصص و آموزش دیده که به عنوان رابط و هماهنگ‌کننده برنامه‌ها و فعالیت‌ها بین مدرسه‌ها، والدین و سازمان آموزش و پرورش عمل کند و با انجام بررسی‌ها و تحقیقاتی در این زمینه، مسئولان و والدین را در مورد اصلاح و تجدید نظر در برخی مقررات، روابط و فعالیت‌ها برای رفع موانع و افزایش مشارکت اثربخش اولیا در مدارس مجاب سازد.

● بازنگری در قوانین و مقررات موجود در زمینه ارتباط اولیا با مدرسه و تدوین قوانین مرتبط با موضوع، در سطحی بالاتر از آموزش و پرورش، از جمله در هیئت محترم دولت یا مجلس محترم شورای اسلامی، با توجه به نیازها و الزامات فراروی جامعه.

● هدایت قانونمند مدیران آموزش و پرورش، از جمله مدیران مدرسه‌ها، در جهت جلب مشارکت‌های اولیا و ارزیابی از عملکرد آن‌ها در این زمینه.

- پخش برنامه‌های مناسب از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، به ویژه تلویزیون، برای تبیین مزایای مشارکت اولیا در امور مدرسه.
- افزایش منابع و امکانات انجمن اولیا و مربیان برای اجرای برنامه‌های مرتبط با جذب مشارکت‌های اولیا.

### نتیجه‌گیری

مشارکت مردم در آموزش و پرورش از جمله عالی‌ترین مظاهر مشارکت جمعی است. مدرسه‌ها برای حل مسائل و انجام امور خود به مشارکت عوامل درون و برون‌سازمانی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن‌ها نیاز دارند. والدین به عنوان نمایندگان جامعه

پیرامونی و از عوامل اساسی برون‌سازمانی، نقشی قابل توجه در تصمیم‌گیری‌های مدرسه‌ها خواهند داشت. بدون مشارکت فعال و مداوم والدین، مدرسه‌ها به‌سختی هدف‌های خود را دنبال می‌کنند. از این رو، مشارکت و همکاری والدین در فرایند تصمیم‌گیری‌های آموزشی از سیاست‌های اساسی نظام‌های آموزشی پیشروست [میرکمالی، ۱۳۷۸].

بر اساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، یکی از هدف‌های کلان «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی - به‌ویژه خانواده‌ها - در تعالی نظام تعلیم‌وتربیت رسمی و عمومی» تعیین شده است. همان‌طور که از قانون تشکیل شوراهای آموزش‌وپرورش، اساسنامه انجمن اولیا و مربیان، آیین‌نامه‌های آموزشی و اجرایی مصوب برمی‌آید، نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی اهتمام لازم را برای احیای نقش والدین در همه‌ارکان تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌درسی داشته است، اما با وجود این تلاش‌ها، همچنان تراز مشارکت والدین در سطح مدرسه‌های ایران پایین است.

در وضعیت کنونی، فعالیت انجمن اولیا و مربیان به برنامه‌های طراحی‌شده از بالا، آیین‌نامه‌های فاقد ضمانت اجرایی یا اجرای صوری برنامه‌ها و بخشنامه‌های تکمیل‌کتابچه‌ها و فرم‌های گزارش عملکرد و صورت‌جلسات توسط مدیران، بی‌ربطی اولیا و مربیان، و مشارکت اولیا در حد کمک مالی به مدرسه محدود شده است که این امر به نوبه‌خود به معنی کنار گذاشته‌شدن تعداد بسیار زیادی از اولیا از فرایند مشارکت فعال در امور مدرسه و آموزش‌وپرورش فرزندانشان است [وفادار و جوان‌بخت اول، ۱۳۸۳]. باید نتیجه گرفت که مشارکت فعال والدین زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که عوامل مؤثر بر این فرایند به صورت یک کل واحد موجود باشند. در غیر این صورت جز پاره‌ای نوآوری‌ها و ابتکارات فردی در برخی مدرسه‌ها، شاهد مشارکتی از سوی والدین نخواهیم بود و این مورد، مسائل آموزش‌وپرورش را بغرنج‌تر خواهد کرد.

#### منابع

۱. میرکمالی، محمد (۱۳۸۷). روابط انسانی در آموزشگاه. نشر یسپرون. تهران.
۲. وفادار، صداقت و جوان‌بخت اول، جعفر (۱۳۸۳). انجمن اولیا و مربیان، ساختار وظایف و مسئولیت‌ها. نشر عابد. تهران.

